

چرا از سال نو متنفرم؟

هر روز صبح آن هنگام که در زیر آسمان ملال آور بیدار می‌شوم، احساس می‌کنم که امروز «سال نو» است.

دلیل اینکه از روز خاص سال نو متنفرم این است که همچون زمان سررسید مالی ثابتی است که حیات و شور انسانی را به نوعی نگرانی سودانگاران با ترازهای مالی پایان سالش و یا قسطهای معوقه و بودجه‌هایی برای مدیریت جدیدش تقلیل می‌دهد و می‌چرخاند.

این چرخش و نگرانی‌ها باعث شده‌اند که پیوستگی زندگی و روح آن را از دست بدهیم. در واقع به سبب شکاف یکباره و عمیق بین دو سال (سال جدید و سال کهنه) فکر می‌کنیم که تاریخی جدید در حال آغاز شدن است؛ تصمیم‌هایی می‌گیرد و به خاطر تصمیم‌های اجرا نشده افسوس می‌خورید. این مسأله بطور کلی همان ایراد اصلی تاریخ تقویمی است.

می‌گویند که رویدادنگاری (Chronology) ستون فقرات تاریخ است. خوب. اما سخت محتاجیم همچنین بپذیریم که چهار یا پنج تاریخ تقویمی بنیادین در ذهن هر فرد سالمی لانه کرده که نقش فریبنده‌ای را در تاریخ بازی می‌کند. روزهای سال نو هم از این دسته هستند. سالِ نويِ تاریخ رومی، یا قرون وسطایی و یا عصر مدرن.

این نگرش‌ها بسیار تهاجمی و ارتجاعی بوده‌اند تا این میزان که بعضی اوقات تصور می‌کنیم که زندگی در ایتالیا از سال ۷۵۲ آغاز شده و یا اینکه سال ۱۴۹۰ یا ۱۴۹۲ چون قله‌هایی افراخته، بشریت را ناگهان به جهان جدید و زندگی تازه پرتاب کرده است. تاریخ تقویمی به چنان مانع و خاکریزی تبدیل شده که جلوی دید ما را نسبت به اینکه تاریخ بدون توقف‌های آنی و بر روی خط زمانی ثابتی تداوم می‌یابد، گرفته است. شبیه وقتی که خیره بر پرده سینما فاصله بین نگاتیوها را نمی‌بینیم و فیلم به گونه‌ای پیوسته ظاهر می‌شود.

این‌ها دلیل من بود در توضیح اینکه چرا از سال نو متنفرم. مایلم که هر روز صبح، برایم سالی نو باشد. می‌خواهم هر روز سروکارم با خودم باشد و نوزایی کنم خویشتم را. هیچ روزی آغاز نمی‌شود مگر برای آسایش. در هنگامه حس مستی و شورمندی نسبت به حیات، متوقف کردن خویشتم را برمی‌گزینم و مایلم در حیوانیت غوطه بخورم تا از درون آن بتوانم توان و شور زندگی را جذب کنم.

زمان را با مسایل روحی و روانی نباید تلف کرد. با وجود پیوند و تعلق خاطر به زمان‌هایی که از سر گذرانده‌ام، مایلم که در هر ساعت از زندگی‌ام نو باشم.

دلیلی ندارم که بخواهم روز عید و جشن سال نو را با آن ریتم‌های جمعی قیم مآبانه‌اش، با همه‌ی غریبه‌هایی که توجه چندانی بدان‌ها ندارم، مشترک شوم. اینکه چون پدربزرگ‌های پدربزرگ‌هایمان سال نو را جشن گرفته‌اند پس ما نیز باید نسبت به آن احساسی داشته باشیم و آن را بخواهیم، حال به هم‌زن است.

این هم دلیل دیگری است که چرا در انتظار سوسیالیزم هستیم. چرا که باید همه‌ی تاریخ‌هایی که ظنینی در روح و شور زندگی ما ندارند را به زیاله انداخت. اگر پس از این اتفاق، تاریخ تقویمی‌ای با گرامیداشت‌هایش ساخته شد حداقل می‌توانیم بگوییم که این‌ها را ما ساخته‌ایم و فقط گذشتگان ساده دلمان را تایید نکرده‌ایم.

آنتونیو گرامشی

ترجمه: امین بزرگیان

منبع: پراودا چهل، ۱۷ فوریه ۱۹۱۳، سنت پیترزبورگ

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yashazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۷